

در گفت وگوی «فرهیختگان» با مجتبی سلطانی احمدی، استاد دانشگاه

و رحیم نیکبخت پژوهشگر تاریخ انقلاب مطرح شد

فاقد نقشه راه برای تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی هستیم

- محدود شدن موسسات تاریخ‌نگاری به تهران، امکان مانور و جمع‌آوری اسناد و خاطرات بزرگ موجود**

در شهرستان‌ها را کاهش داده ومنتفی کرده است

- دانشگاه‌ها که باید نقش محوری در تاریخ‌نگاری انقلاب را برعهده بگیرند، در این بخش وضع مطلوبی ندارند**

به نظر من این نقیصه بزرگ موجب شده است تا موضوعات پژوهشی تاریخ انقلاب اسلامی فاقد اولویت‌بندی باشد، گرچه طی سال‌های اخیر مجمع مراکز اسنادی «مهناب» برای ایجاد هماهنگی بین این مراکز شکل گرفته است. ولی عملکرد آن جز در برگزاری چند همایش موفق با محوریت موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی مشهود نبوده است.

از سوی دیگر غلبه نگاه چریکی و شکنجه و زندان بر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی آسیب جدی زده است. این نگاه موجب غفلت و عدم توجه لازم به تاریخ فرهنگی انقلاب اسلامی شده است. البته نباید مبارزات زندانیان و مسائل مربوط را نادیده گرفت یا کم‌اهمیت تلقی کرد یا به آن بها نداد. نکته مهم این است که عدم توجه همه‌جانبه به تاریخ انقلاب اسلامی موجب می‌شود اهمیت فعالیت‌ها و مبارزات نقش‌آفرینان اصلی نهضت اسلامی به‌مثابه رهبران فکری و فرهنگی مردم در انقلاب اسلامی تحت‌الشعاع قرار گیرد، رهبرانی که اغلب شاگردان برجسته امام خمینی (ره) بودند.

زندگی اغلب شهدای هفتم تیر که بیشترشان از استوانه‌های مهم فرهنگی انقلاب بوده‌اند مورد پژوهش واقع نشده است

به نظر می‌رسد حتی در تبیین تاریخ‌زندگی شاگردان وزندیکان حضرت امام(ره) هم دچار خلأ جدی و کم کاری هستیم؟!

مجتبی سلطانی احمدی
بله، دقیقا. با یک مقایسه ساده و بررسی شمارگان و چاپ کتاب‌هایی که به زندگی و مبارزات بزرگان شهیدی چون استاد مطهری، دکتر مفتاح، دکتر باهنر، شهید هاشمی نژاد، شهید محلاتی و... اختصاص دارد، با برخی کتاب‌هایی که در حوزه انقلاب چاپ‌های پرشماره دارند، می‌توان عدم‌مدیریت وبرنامه‌ریزی هفدمنددر فرآیند تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی را مشاهده کرد. باقطع یقینی می‌توان گفت بیشتر کتاب‌های منتشره در حوزه تاریخ انقلاب اسلامی در همان چاپ اول مانده است. ازاین‌رو آسیب‌شناسی این مساله امری ضروری است. موضوع دیگر آنکه، برای بسیاری از شخصیت‌های مهم، تاثیرگذار و فرهنگی انقلاب اسلامی با گذشت بیش از سه دهه از شهادت آنان هیچ اقدام اساسی و قابل اعتنایی صورت نگرفته است. مانند اغلب شهدای هفتم تیر که بیشترشان از استوانه‌های مهم فرهنگی انقلاب اسلامی بوده‌اند،همانندشهیددکتر معیری وشهیددیانمه. جریان‌های فعال و مؤثر در نهضت اسلامی مانند هیات‌های مؤتلفه که پس از انقلاب نیز در متن نظام حضور داشتند، نتوانستند به‌طور مستقل و مطلوب دین خود را به تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی ادا کنند. اگرچه اقداماتی صورت دادند، اما کافی نبود.

نقش زنان در تاریخ انقلاب موضوع دیگری است که مغفول مانده مادر جامعه‌شناسی تاریخ انقلاب نیز دچار مشکل جدی هستیم وهنوز نتوانسته‌ایم اثری جدی ودر خور پیرامون گروه‌هاو طبقات مختلف مؤثر در پیروزی انقلاب منتشر کنیم. این نقد تنها محدود به حوزه کتاب نیست وشامل آثار نمایشی تولیدشده در این سال‌ها نیز می‌شود؛از فیلم‌وسریال گرفته تا مستند و تئاتر. موافق این مساله هستید؟
رحیم نیکبخت
در پاسخ به سوال شما، نظر من در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی مبارزات زنان به‌ویژه در مبارزات فرهنگی با نظام شاهنشاهی مورد غفلت قرار گرفته است. به‌ویژه آنکه حجاب اسلامی به‌عنوان نماد هویت اسلامی یکی از چالش‌های مهم رژیم پهلوی بوده است. نقش نوجوسرایان و اشعار مرثیه در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی بیش از هر گروه دیگر مورد غفلت واقع شده است و هیچ متولی‌ای ندارد! این گروه آموزه‌های نهضت اسلامی و پیام‌های رهبری را با شعر و نوحه و دم‌های سینه‌زنی در بین توده مردم بسط می‌دادند. ادبیات مرثیه سالار شهیدان نزدیک‌ترین حلقه فرهنگی نهضت اسلامی و قیام کربلا مهم‌ترین واقعه تاریخ شیعه است که تاثیر شگرفی در انقلاب اسلامی داشته است.

هیات‌های مذهبی و اماکنی چون مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و مدارس حوزه‌های علمیه مهم‌ترین کانون‌های آموزشی و بازپروزی آموزه‌های انقلابی به حساب می‌آیند. این کانون‌های فرهنگی محل فعالیت وجنب‌وجوش چهره‌های فرهنگی انقلاب اسلامی بودند. گرچه درباره برخی مساجدمهم‌تهرآن و هیات‌های مؤتلفه اسلامی کارهایی صورت گرفته‌است با این حال اسناد انقلاب اسلامی، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و همچنین اقدام مرکز بررسی اسناد تاریخی با انتشار اسناد تاریخی برای مانده از ساواک به جریان تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی شتاب داد.

دانشگاه‌ها که باید نقش محوری در تاریخ‌نگاری انقلاب را برعهده بگیرند، در این بخش وضع مطلوبی ندارند

از نظر شما به عنوان یک تاریخ‌پژوه دانشگاه‌های مادر تولید آثار پژوهشی مناسب با موضوع تاریخ پس از انقلاب چگونه عمل کرده‌اند؟

رحیم نیکبخت
دانشگاه‌ها که باید مهم‌ترین نقش را در تاریخ‌نگاری و نظریه‌پردازی انقلاب اسلامی درآیند،نقصیت‌مطلوبی ندارند.برعکس دانشگاه‌های غربی که یکی از موضوعات اصلی آنها انقلاب اسلامی و شناخت آن است. گرچه در سال‌های اخیر موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) و دانشگاه معارف اسلامی در قم و پژوهشکده انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) در تهران فعالیت‌های هفدمندی شروع کرده‌اند ولی هنوز آثار عملی این فعالیت‌ها دیده‌نشده است. نویسندگان بنام تاریخ انقلاب اسلامی در دانشگاه‌ها مراکز علمی رسمی وشاخص فاقد کرسی‌های مشخص تدریس ونظریه‌پردازی هستند.ضمن اینکه برخی هم از حضور در مجامع علمی ساز باز دارند. در کنار این کاستی دوسویه پذیرش مطلق دیدگاه‌های متفکران ونظریه‌پردازان خارجی در برخی مجامع دانشگاهی عرصه را برای طرح مباحث نظری انقلاب اسلامی تنگ تر کرده است. یکی از موضوعات مهم دیگر در این رابطه لزوم آسیب‌شناسی آموزش تاریخ انقلاب در نظام آموزشی از دانشگاه تا سطح جامعه است. بدون آسیب‌شناسی وبازنگری در این عرصه چه در متون و چه در نظام آموزشی و چه در تکلیف وظایف گروه‌های تاریخ، جامعه‌شناسی، ادبیات، علوم سیاسی و... در دانشگاه‌ها تغییر جدی در روال معمول تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی غیرقابل تصور است. به نظر می‌رسد روشن شدن نسبت انقلاب اسلامی با گروه‌های علمی دانشگاه‌ها منجر به تولید نظریات متنوع و کاربردی در حوزه انقلاب اسلامی، علوم انسانی و علوم دینی و در نهایت تمدن‌سازی خواهد شد.

بر این اساس علت اصلی کم توجهی به تاریخ انقلاب اسلامی

در دانشگاه‌ها می‌چیس‌ت؟

مجتبی سلطانی احمدی
مانع عمده عدم ورود تاریخ انقلاب اسلامی به گروه‌های تاریخ دانشگاه‌ها، تلقی یا بهانه تاریخ نبودن واقعه انقلاب اسلامی است. این تلقی موجب شده دانشجویان به گرفتن رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری با موضوع انقلاب اسلامی ترغیب و تشویق نشوند و تا این تلقی وجود دارد، نمی‌توان انتظار تغییر جدی داشت. به علت عدم ورود دانش آموختگان تاریخ به این حوزه، علوم سیاسی داعیه‌دار این عرصه بوده و در علوم سیاسی هم عموما تاریخ انقلاب اسلامی با الگوهای نظری غربی تبیین می‌شود. درحالی‌که تاریخ انقلاب اسلامی را نمی‌توان بدون توجه به ماهیت و مولفه‌های دینی آن بررسی و تحلیل کرد.

مجتبی سلطانی احمدی، تاریخ‌پژوه و استاد دانشگاه و رحیم نیکبخت، پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی در گفت وگو با «فرهیختگان» به آسیب‌شناسی روند پژوهش در تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی پرداختند. در این گفت‌وگو این پژوهشگران تاریخ انقلاب به سوالاتی درمورد عملکرد نهادهای متولی تاریخ‌نگاری و دانشگاه‌در تبیین ابعاد مختلف انقلاب اسلامی پاسخ دادند.
مشروح این گفت‌وگو را ادامه از نظر می‌گذرانید.

سنت تاریخ‌نگاری مجالی برای جلوه فرودستان فراهم نمی‌کند به عنوان اولین سوال به نظر تان اهمیت بررسی تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی در چیست؟

مجتبی سلطانی احمدی
تاریخ شفاهی با کارکردی که دارد در تلاش بوده تاریخ افراد و افساری را روایت کند که در تاریخ‌نگاری رسمی سهم و جایگاهی نداشته‌اند. به‌عبارت بهتر تاریخ شفاهی، تاریخ فرودستان و طبقه میانی جامعه به حساب می‌آید، درحالی‌که سنت تاریخ‌نگاری مجالی برای جلوه‌فرو دستان فراهم نمی‌کند و از این‌رو هگزنر تاریخ شفاهی عرصه مناسبی است تا مورخ و پژوهشگر نوگرای تاریخ همانند تربیونی بی طرف به بیان دیده‌ها و شنیده‌ها و نقش‌آفرینی‌های تاریخی عمود مردم بپردازد و تمامی اقشار جامعه که در تحولات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در دوران انقلاب اسلامی (قبل و بعد از آن) نقش داشته‌اند، در تکمیل داده‌های تاریخی با خلق تصویر و صدای زنده به کمک محققان و پژوهشگران در تدوین تاریخ انقلاب اسلامی بیایند.

تاریخ انقلاب اسلامی تاریخ مردم محروم و میانی جامعه ایران بود. نقش مردم در این تحول عظیم که در تاریخ‌نگاری‌های رسمی و سلطنتی جایی نداشت، از ماهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه امام خمینی (ره) قرار گرفت و ایشان با اشاره به نقش مهم مردم، نویسندگان و پژوهشگران تاریخ را به ثبت وضبط تاریخ مبارزات اسلامی فراخواندند. ماهیت تاریخ شفاهی ماهیتی ریزنگر دارد، از این‌رو، هرچه موضوعات تاریخ شفاهی در پژوهش‌های انقلاب اسلامی کلی تر باشد از دقت آن کاسته می‌شود و هرچه موضوعات آن جزئی تر باشد، بر دقت وثاقت آن افزوده می‌شود. بر همین اساس در برخی پژوهش‌های انقلاب اسلامی تاریخ شفاهی کاربرد بسیار مهم و حساسی دارد.

وقوع جنگ عامل مهم در فراموشی تاریخ‌نگاری وقایع انقلاب بررسی تاریخ شفاهی انقلاب به‌طور جدی از چه زمانی آغاز شده است؟

مجتبی سلطانی احمدی
انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای یگانه‌ی هم‌عاصر روزگار معاصر، از بدو پیروزی نگاه‌های موافق و مخالف را به‌شکلی بدیع و بی نظیر به خود جلب کرده و از این‌رو هگزر آثار متفاوتی از حیث روایت و تحلیل و ارزیابی پدید آورده است. با پیروزی انقلاب اسلامی نخستین تلاش‌هایی را شناخت ماهیت انقلاب اسلامی در غرب آغاز شد. پروژه‌هایی همانند تاریخ شفاهی هاروارد گوشه‌هایی از این تلاش بود. با این حال اولین همایش علمی بررسی ماهیت و واقعیت انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۴ م در آوج جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در فلسطین اشغالی توسط صهیونیست‌ها با عنوان «تشیع، مقاومت و انقلاب» برپا شد. متخصصان بزرگی از سراسر دنیا حضور داشتند و به بررسی ظرفیت‌های انقلابی تشیع در ایران وسایر نقاط جهان پرداختند. محور اغلب مقالات کنفرانس تشیع بود. در این همایش که با حضور ایران شناسان بنام غربی تشکیل شد، به ریشه‌یابی انقلاب اسلامی پرداختند. در داخل ایران هم با توجه به شروع جنگ تحمیلی در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی و درگیر شدن نظام نوپا با یک تهاجم گسترده و همه‌جانبه خارجی مجالی برای توجه جدی به تاریخ انقلاب اسلامی فراهم نبود. به همین علت تلاش‌های منسجم بعد از پایان دفاع مقدس آغاز شد. با توجه به پیوستگی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی هم در پیوند با تاریخ دفاع مقدس پدیدار شد. البته نباید برخی تلاش‌های فردی و مؤثر را هم‌زمان با جریان انقلاب اسلامی فراموش کرد، به‌ویژه تلاش‌های مرحوم حجت‌الاسلام علی دوانی و حجت‌الاسلام سیدحمید روحانی. با این حال تأسیس نهادهایی همانند مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و همچنین اقدام مرکز بررسی اسناد تاریخی با انتشار اسناد تاریخی برای مانده از ساواک به جریان تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی شتاب داد.

نهادهای متولی تاریخ‌نگاری انقلاب نیازمند آسیب‌شناسی هستند تمرکز گرایی نهادهای متولی تاریخ‌نگاری کشور در تهران و بعضی شهرهای بزرگ تا چه میزان بر روند ثبت و گردآوری تاریخ شفاهی پس از انقلاب آسیب وارد کرده است؟
رحیم نیکبخت
این نهادهای طی سالیان گذشته فعالیت‌های مختلفی داشته و هر یک تا اندازه‌ای وارد حداث خود آثاری را در عرصه تاریخ‌نگاری منتشر کرده‌اند. علی‌رغم این تلاش‌ها برای رسیدن به کمال مطلوب فاصله بسیاری وجود دارد. بررسی عملکرد و آسیب‌شناسی این نهادها در عرصه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی امری ضروری است. با وجود فعالیت مراکز متعدد در عرصه تاریخ انقلاب هنوز نقشه راه و چشم انداز تاریخ‌نگاری انقلاب طراحی نشده است. البته برخی تلاش‌های نادر و منحصر به فرد صورت گرفته است. متأسفانه به علت فقدان نقشه راه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی مراکز و موسساتی که برنامه‌ها و تلاش‌هایشان در علائق فردی تکیه داشت، طی سالیان گذشته به دلایل متعدد تعطیل شده و یا به محاق رفته‌اند. توقف فعالیت بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی در قم واصفهان، توقف فعالیت موسسه در راه‌نور، توقف فعالیت شعب مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سمنان و مشهد، نمونه‌ای از این موارد است. به جای آنکه شعب این موسسات در سراسر ایران گسترده شود، فعالیت آنها به تهران منحصر شده است. پرواض است این رویه امکان گردآوری خاطرات شفاهی و اسناد محلی تاریخ انقلاب اسلامی را به‌شدت کاهش داده است. عدم توجه به محققان شهرستانی از یک سو و تاریخ انقلاب اسلامی در شهرستان‌ها از سوی دیگر کاستی قابل توجه و مهمی است. به نظر می‌رسد در شهرستان‌ها فضای مناسب برای مطرح شدن محققان محلی انقلاب اسلامی فراهم نیست و هیچ کانونی هم متولی پرورش و حمایت مادی و معنوی از این محققان محلی نیست.

یکی از نقدهای جدی بر می‌گردد به نحوه تعیین سؤزه‌ها در موسسات تاریخ‌نگاری کشور که بیشتر تمرکزشان را معطوف به بررسی تاریخ عصر پهلوی کرده‌اند. خیلی از این سؤزه‌ها بر اساس دغدغه‌ها و شبهات رایج در جامعه نیست. این گونه است که در این موسسات هنوز کار جدی و مستند پیرامون تاریخ پرفراز و نشیب ۳۰ سال اخیر کار نشده و در این مدت تنها یک مورد موفق داشته‌ایم و آن هم مربوط می‌شود به کتاب روایت رهبری آقای جبرائیلی، چه میزان این نقد مورد پذیرش شماست؟
رحیم نیکبخت
ناهماهنگی بین مراکز فعال موجب موازی کاری و در نتیجه عدم توجه به کارهای مهم دیگر شده است. به‌ویژه آنکه گذر زمان فرصت‌های بسیاری را برای ثبت وضبط رویدادهای تاریخ انقلاب اسلامی از بین برده است.

سیاست

سه‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۹ شماره ۲۲۵۴



محمد حسن روزی طلب در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تاریخ‌نگاری انقلاب برعهده کسانی است که جمهوری اسلامی و روند آن را قبول ندارند

به جز آقای ری‌شهری و چند نفر دیگر، تاریخ شفاهی وقایع آن دوران را بیان نکردند و ترجیح دادند سکوت کنند. تحلیل شما در این خصوص چیست؟
وضعیّت وقایع‌نگاری و تاریخ شفاهی نسبت به خیلی کشورها بهتر است و خیلی چیزها فاش گویی و ارائه شده است. آقایان هاشمی، مهدوی کنی، ناطق‌نوری، حسن روحانی و خیلی‌های دیگر خاطرات خود را گفته‌اند که چاپ شده یا نشده است. من مساله را در اینجا نمی‌بینم، بلکه مساله را در این می‌بینم که ظرفیت انتشار چنین مطالبی وجود ندارد. امسال اولین سالی بود که آقای هاشمی در قید حیات نبودند و کتاب خاطرات ایشان منتشر شد، خیلی‌ها خیز برداشتند که کتاب ایشان را توقیف کنند. حتی آقای هاشمی و خانواده ایشان درباره نقره‌هایی که بر این کتاب نوشته شده بی تالی می‌کنند و نمی‌گذارند چاپ شود. به‌نظرم ظرفیت و پذیرش چاپ صریح نظرات و خاطرات مسئولان نظام الان وجود ندارد. شما می‌توانید روز شمار دولت نهم و دهم با نگاه آقای احمدی‌نژاد را چاپ کنید؟ نمی‌توانید! می‌توانید خاطرات آقای خاتمی را چاپ کنید؟ نمی‌توانید! آقای هاشمی هم چون روزنوشت‌هایش را از دهه ۶۰ شروع کرده توانسته بود چاپ کند. در کتاب «رعد در آسمان بی‌ابر» خاطرات کارشناسان واحد اطلاعات سپاه، کارشناس مبارزه با التقاط اطلاع سپاه را تدوین کردم، وزارت ارشاد ۲۰ صفحه اصلاحات برایت کتاب داده است. مورد مواخذه نهادهایی همچون نیروی انتظامی و قوه قضائیه قرار گرفتم، حال اینکه ما عقیده و پشتوانه داشتیم و می‌توانستیم تعامل کنیم و حرف بزنیم. بقیه که چنین امکان و پشتیبانی ندارند، واقعیت این است، البته به این معنا نیست که زمینه برای کار محدود است. اتفاقاً زمینه برای کار زیاد است و موضوعات و سؤزه‌های زیادی وجود دارد. اینکه در آن سطح که شما بیان می‌کنید خاطرات بیان شود، به‌نظرم ظرفیت وجود ندارد.

در مرکز اسناد خاطرات افرادی را داشته‌اید که ثبت و ضبط شده باشند، ولی منتظر مانده‌اید در بازه زمانی مشخصی به عنوان مثال پس از مرگ یا مسئولیت افراد منتشر شود؟

حدود چهار هزار روی در مرکز اسناد داریم یعنی چهار هزار نفر خاطرات خود را بیان کرده‌اند. از یک جلسه تا ۲۰۰ جلسه هم داریم که تقریباً شامل اکثر سران کشور می‌شود. مثلاً آقای ظریف ۵۰ جلسه مصاحبه پیش ما دارد. خاطرات خود از نوجوانی تا قبل از دوره وزارت خارجه را بیان کرده است. البته هر کتاب خاطراتی که در مرکز اسناد بخواهد چاپ شود باید امضا و رضایت فردی که خاطرات را بیان کرده داشته باشد.

از روسای جمهور پیشین کسی آمده است؟

بله، مصاحبه‌های آقای احمدی‌نژاد را داریم، آقای روحانی را مفصل داریم. آقای هاشمی را هم داشتیم. آقای خاتمی هم چند جلسه داریم. ۱۳-۱۲ جلسه مصاحبه از آیت‌الله خامنه‌ای را نیز داریم.

یکسری حساسیت‌ها درباره کتاب‌هایی که چاپ می‌کردید وجود داشت، مثلاً کتاب اندیشه سیاسی آقای هاشمی که دکتر اسماعیلی نوشتند توقیف شد. چون وزارت ارشاد در حوزه کتاب در حقیقت آرتورترین وضعیت ممکن است. درباره آقای هاشمی و... حساسیت‌های بی‌جا وجود دارد. کتاب اندیشه سیاسی آقای هاشمی رفسنجانی هم که مثال زدید، با شکایت خانواده آقای هاشمی، انتشارات مرکز اسناد را سمه‌ها تعلیق کردند. آقای حسینیان آن زمان جوابیه‌ای برای وزارت ارشاد نوشتند و گفت در کتاب خاطرات سال ۷۶ آقای هاشمی دروغی به‌من نسبت داده شده که من گفته‌ام خواب امام زمان (عج) را دیده‌ام، اگر به خاطر این دروغی که به من نسبت داده شده‌من هم شکایت کنم، سمه‌ها شمت‌اتعلیق می‌کنند؟ بدون اینکه پاسخ بخواهند. یک کتابی نوشته شده و درخواست مجوز شده است، سمه‌ها انتشارات را تعلیق کردند. البته بعد گفته شد اینها (خانواده هاشمی) پشیمان شدند، ولی واقعه‌ای منم دلیل این رفتارها چیست.

کتاب مطلب خاصی نداشت، فکر می‌کنم کتاب «راز قلعطنه»، «ادی‌کال برود».

به‌مرحوم حسینیان گفته‌برویداز کتاب خاطرات آقای هاشمی شکایت کنید،ایشان می‌گفت من اگر شکایت کنم کسان دیگر با انگیزه‌های دیگر این کتاب را توقیف می‌کنند و من راضی به توقیف کتاب ایشان نیستم. این روند باید ادامه یابد. آقای حسینیان به آقای محسن هاشمی گفته بود که شما جواب این کتاب را (ان‌دیشه سیاسی آیت‌الله هاشمی) بدهید، من چاپ می‌کنم. لیه جلویی آزادی ان‌دیشه در کشور نوشتن کتاب است. وزارت ارشاد با قشون کشی و زان‌دارم بازی نمی‌تواند این فضا را اداره کند. لحظه شماری می‌کنیم این آقایان مخصوصاً دکتر صالحی ب‌روند. فکر می‌کنم بدترین وزیر ارشاد جمهوری اسلامی دکتر صالحی است.

مورخان مایه‌سمت خیلی از موضوعاتی که برای جامعه سوال است، نمی‌روند و گاهی به دلیل سکوت‌شان، از این وقایع بهره‌برداری سیاسی نیز می‌شود، مانند اعدام‌های سال ۶۷ یا قتل‌های زنجیره‌ای و... این حوادث حتی در رسانه هم مکتوم واقع شده است و کسی در مورد آن صحبت نمی‌کند. وقتی شما به روایت تاریخ نمی‌پردازید، جریان مقابل برای نسل جدید آن گونه که خودش می‌خواهد روایت پردازی می‌کند و چون در این زمینه تک‌صدایی وجود دارد حرفش خیلی راحت پذیرفته می‌شود. الان سؤالی که ما داریم همین است. چرا مورخان ما به‌سمت خیلی از موضوعاتی که برای جامعه سوال است، نمی‌روند؟

این بحث مفصل است. سیاسی کردن تاریخ نویسی و قطعی کردن تاریخ‌نویسی بدترین ضربه به تاریخ‌نویسی است. کم و بیش در این موضوعات مطالبی نوشته شده است، ولی اراده بالاتری لازم است که اطلاعات و اسناد این موضوعات را آزادسازی کند تا پژوهشگران بتوانند استفاده کنند. تا زمانی که اسناد و اطلاعات واقعی قضیه از آزادسازی نشده باشند، سطح پژوهش‌ها خیلی پایین است و کاربردی وقائع‌کننده نیست.

با کسانی که درگیر این اتفاقات مانند قتل‌های زنجیره‌ای و... بودند، گفت‌وگوی شفاهی گرفته‌اید؟
کم و بیش انجام شده است.

هنوز امکان انتشار را ندارند یا صلاح نیست؟

کسی جلوی انتشار را نگرفته‌است. به‌نظرم می‌رسد الان این موضوعات به اندازه کافی پخته نیست که بتوان پژوهش کاملی ارائه داد.

محمد حسن روزی طلب، پژوهشگر تاریخ معاصر و از روزنامه‌نگاران یاسابقه کشور است. او حالا چندسالی است که معاونت «اسناد و کتابخانه» مرکز اسناد انقلاب اسلامی را برعهده دارد و در این مدت نیز چندین کتاب و نشریه پژوهشی درباره تاریخ انقلاب اسلامی به چاپ رسانده است. با او به گفت‌وگو نشستیم و چالش‌ها و ضروریات تاریخ‌نگاری انقلاب را برررسی کردیم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

۱۱۱

به نظر شما کدام یک از بخش‌های تاریخ پس از انقلاب کمتر مورد توجه بوده و مغفول مانده است؟

تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب اسلامی، دو موضوع اصلی دارد: یکی موضوع جنگ و دفاع مقدس است و دیگری هم‌نهادسازی و خدمات جمهوری اسلامی. جنگ هشت‌ساله با دشمن یعنی مهم‌ترین اتفاق ۴۰ ساله جمهوری اسلامی است. اینکه جمهوری اسلامی چگونه تأسیس شد و نهادها چگونه تأسیس شدند چه خدماتی داشتند و مقابله‌ای که با ضدانقلاب شد؛ موضوع اصلی دوم است که خود شامل هزاران زیرعنوان می‌شود. در حوزه تولیدات فرهنگی به بخش جنگ بیشتر پرداخته‌شده، چون متصدی خاص داشته و نهادهایی همچون سپاه، ارتش، نیروهای مسلح، بنیاد شهید و... متصدی این مساله بودند. همچنین حضور در جنگ، جانبازی و شهادت مایه افتخار هر شخص و خانواده‌ای است. به همین دلیل خاطرات دوره جنگ راحت بیان می‌شود. اما درباره تاریخ جمهوری اسلامی و تاریخ نهادسازی در جمهوری اسلامی دو اتفاق افتاده است؛ یک اینکه خیلی از اشخاصی که در اینجا صاحب‌عله بودند و در بدن وقایع حضور داشتند، به هر دلیلی به حضور خود در آن برهه افتخار نمی‌کنند یا حذف و یا پشیمان شدند یا پشیمان‌شان کردند. این‌را برای خود افتخار نمی‌دانند که آن را بیان کنند تا ثبت وضبط شود، مثلاً ماجرای همچون تسخیر سفارت آمریکا دو، سه سنگخو بیشتر ندارد و خیلی از افرادی که آنجا بودند برای خود این اتفاق را خفتر نمی‌دانند که خاطرات خود را بیان کنند. نکته دوم این است که این بخش برخلاف تاریخ دفاع مقدس متصدی خاص ندارد، مثلاً وزارت نفت تاریخ مجاهدت‌های کارکنان خود را بیان نکرده، وزارت خارجه همین‌طور است. جهاد سازندگی کلاً منحل شده است و سازمان‌هایی همچون این نهادها که خدمات مهمی را به کشور ارائه دادند، آن‌طور که باید و شاید در صحنه نیستند.

یک چالش درباره تاریخ‌نگاری ابتدای انقلاب سکوت‌هایی است که پیرامون وقایع مختلف صورت گرفته. این سکوت خود خواسته است یا موسسات تاریخ پژوهی مایه‌سمت مصاحبه با آقای موسوی خوینی‌ها و افرادی از این دست نرفته‌اند؟

هر دو دلیل صادق است، یعنی هم برخی افراد تمایل ندارند در این حوزه صحبت کنند و هم این است که دستنگاه‌های تاریخ‌نگاری ما دچار ایراد و اختلال هستند. درباره تسخیر سفارت آمریکا حداقل دو پروژه عظیم و گسترده برای مصاحبه با دانشجویان پیرو خط امام (ره) تعریف شده، یکی در «روایت فتح» و دیگری در «حوزه هنری انقلاب اسلامی» که هر کدام برای بیش از ۲۰ سال پیش است و در هر دو پروژه، مصاحبه‌ها با افراد انجام و این مصاحبه‌ها بیابگانی شده است. به‌هر حال اشکال در نهادها را بیشتر می‌بینم.

شما تلاشی در مرکز اسناد پیرامون این مساله نداشتید؟

درباره تسخیر سفارت آمریکا؟

چه در این موضوع و چه درباره شخصیت‌هایی همچون آقای موسوی خوینی‌ها.

درباره تسخیر سفارت و روابط ایران و آمریکا در بحبوحه انقلاب، پروژه‌ای تعریف کردیم ان ۱۶-۱۵ عنوان کتاب آماده داریم که ۵-۴ جلد تاریخ شفاهی دانشجویان پیرو خط امام است و ۵۶ عنوان ترجمه آثاری است که در آمریکا درباره این ماجرا چاپ شده است. این کار را به‌همکاری دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب انجام دادیم و فکرمی‌کنم ۵۱ عنوان کتاب بتوانیم در سال‌های آینده منتشر کنیم.

موسساتی همچون مرکز اسناد انقلاب اسلامی با موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران توانسته‌اند در این سال‌ها به رسالت خود به‌طور کامل عمل کنند؟
بسیاری از نهادهای رسمی ودولتی هم به‌وجود جبهه‌یشتی دارند و هم عده و عده‌یشتی اما در نقطه صفر درجای زبند، ولی مادر مرکز اسناد با توجه به محدودیت امکاناتی که داریم و در لحاظ مالی به‌صورت خودکفا و مستقل از دولت هستیم، عملکردمان به‌نظر من چه در حوزه تاریخ شفاهی و چه در حوزه پژوهش و جمع‌آوری و اطلاع‌رسانی و هم در حوزه انتشارات قابل قبول و مثبت است.

ضعف اصلی تاریخ‌پژوهی پس از انقلاب را در چه چیزی می‌بینید؟
ضعف اصلی را این می‌دانم افرادی که صاحب کار در حوزه تاریخ‌نویسی هستند و نهادهای مهم تاریخ‌نویسی را مدیریت می‌کنند، به تاریخ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی افتخار نمی‌کنند و آن را قابل دفاع نمی‌دانند. این مطلب قدری صریح و تلخ است، ولی واقعیت است. خیلی راحت بیان کنم که جمهوری اسلامی و روند آن را قبول ندارند.

یکی از نقدهایی که مطرح می‌شود، این است اکثر مورخان برای نسل اول و دوم انقلاب هستند و مادر نسل جدید چه‌رای نمی‌بینیم که علم پژوهش و بررسی تاریخ را بر دوش بگیرد. این امر را تا چه اندازه‌ای قبول دارید؟
قبول ندارم. بچه‌هایی که الان در نسل سوم هستند کار می‌کنند و پژوهش می‌کنند قوی‌تر و با ذهن باتزر از نسل اول و دوم هستند. اتفاقاً بچه‌های نسل سوم بیشتر انقلاب و جمهوری اسلامی را قبول دارند تا خیلی از کسانی که نسل قبلی بودند.

در کشورهای دیگر شاهدیم مسئولان حتی کسانی که مدت کوتاهی بر سرکار بودند، مثل جان بولتون، کتاب خاطرات خود را نمی‌نویسد و به وقایع روزانه‌ای پردازد و بلافاصله هم چاپ می‌شود، ولی در ایران این سنت نوشتن خاطرات جایفته‌اند است. یک نمونه شاید کتاب خاطرات آقای هاشمی است که آن راهم نمی‌توان کامل بیان کرد که مستند است. این امر سبب می‌شود در خیلی از اتفاقات پرچالش معاصر ما علامت سوال‌های جدی داشته باشیم. سال گذشته مستندی را کار می‌کردم که به سرانجام نرسید، مستند حزب خلق مسلمان و کارنامه شریعتمداری بود. در مورد این موضوع که تاریخ‌مصرف آن گذشته و مساله‌ای برای ابتدای دهه ۶۰ است و حساسیت چندانی هم نسبت به سایر موارد ایجاد نکند، خیلی از کسانی که مرتبط با موضوع بودند